

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۵۴

جمعه ۱۸ بهمن ۱۳۹۸، ۷ ژانویه ۲۰۲۰

برای جنگی همه جانبه علیه جلادان حاکم آماده شویم!

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره شرایط سیاسی حاضر

تحولات آبان - دیماه ۹۸ نقطه عطفی در شرایط سیاسی ایران است. رژیم که ۴۰ سال است با سرکوب و جنایت حکومت میکند دیگر تماماً و صریح و آشکار به یک ماشین کشتار بدل شده است. حکومتی که در برابر ابتدائی ترین و مجازترین و حق بجانب ترین اعتراض مردم، یعنی اعتراض به سه برابر شدن قیمت بنزین، گله های اوپاش مسلحش را بجان مردم میاندازد، به قصد کشت به سر معترضین شلیک میکند و در عرض یک هفته ۱۵۰۰ نفر را میکشد؛ حکومتی که حتی در نمایش ادامه در صفحه ۲

غلط کردید

بر سند رسمی جنایت خود، مهر محرمانه زدید

مکالمه خلبان پرواز هواپیمایی "آسمان" با برج مراقبت فرودگاه و اعلام مشاهده پرتاب دو موشک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲ اوکراین، سند دیگری است از جنایت عامدانه و سازمانیافته بالاترین رده مسئولان جمهوری اسلامی، فرماندهان سپاه پاسداران و شخص خامنه ای رهبر

صفحه ۳

محسن ابراهیمی

داهول اسلامی در نقش یک رهبر! موقعیت خامنه ای در صحنه سیاسی ایران

صفحه ۳

حسن صالحی

به کمپین نجات هوشمند علیپور پیوندید!

صفحه ۵

حسن صالحی

دادخواهی، دادخواهی، دادخواهی...

صفحه ۶

عبدل گلپریان

انقلاب کوبنده مردم عراق وارد پنجمین ماه خود شد

صفحه ۷

محمد شکوهی

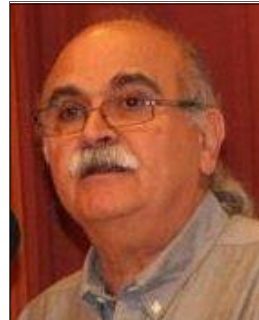
فاجعه جنگ داخلی در سوریه! ادامه جنگ و، کشتار و آواره گی مردم

صفحه ۹

میلاد رابعی

سلب ریتی ها و اعتراضات مردمی

صفحه ۱۰



حمید تقوایی

دگر دیسی

از "اسلام عزیز" به "ایران عزیز"

خامنه ای در تلاش برای بازار گرمی انتخاباتی، که حتی نظر سنجی های حکومتی اعلام میکنند ۸۲ درصد مردم در آن شرکت نخواهند کرد، میگوید "ممکن است کسی از بنده خوشش نیاید اما اگر ایران را دوست دارد، باید پای صندوق رأی بیاید. ... اگر کسی انگیزه دینی و انقلابی ندارد، اما، میهن عزیز را دوست دارد لازم است به پای صندوق های رأی بیاید." این نوع اظهارات نشانه آخرین روزهای عمر یک حکومت درمانده و به بن بست رسیده است.

شده است همانطور که حکومت شاه بر ناسیونالیسم و ایرانیست و میهن پرستی متکی بود. دنده عوض کردن خامنه ای از اسلامیت به ایرانیست تغییر ریل شاه از ایرانیست به اسلامیت در اواخر عمر سلطنت پهلوی را در خاطره ها زنده میکند. محمد رضا پهلوی پس از یک عمر دمیدن بر تقدس خاک و مرز پرگهر و تاریخ ۲۵۰۰ ساله و کورش کبیر، در سال آخر حاکمیتش زیر فشار انقلاب مردم ناگزیر شد به اسلام متوسل بشود. ناگهان ادامه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی تمام هویت و فرهنگ و قوانین و سیاستهایش بر اسلام بنا

گزارش و اطلاعیه :

*تظاهرات علیه نمایش "روز حجاب"

*تشدید سیاست زندان علیه فعالین

از وحشت سرنگونی است

*انقلاب مردم عراق با گام های استوار

به پیش میروند

*موفقیت کارگران پتروشیمی اروند

و چند خبر دیگر صفحه ۱۱ و ۱۲

از صفحه ۱

برای جنگی همه جانبه علیه جلادان حاکم آماده شویم!

عزاداری سردار تروریستش سبب مرگ حدود ۸۰ نفر زیر دست و پای جمعیتی که به خیابان کشانده است میشود و خم به ابرو نمیآورد، حکومتی که عامدانه به یک هواپیمای مسافربری شلیک میکند، ۱۷۶ نفر انسان بیگناه را بدون هیچ توجیه و بهانه ای بقتل میرساند و تلاش میکند با انکار و دروغ و صحنه سازی جنایت خود را لاپوشانی کند؛ چنین حکومتی رسماً و عملاً ماشین کشتاری بیش نیست. این حکومت دیگر به دولت اداره امور و گرداندن جامعه، به دولتی متعارف حتی با همان معیارهای نازل متداول در جمهوری اسلامی، اندک شباهتی ندارد. دیگر برجام و خصوصی سازی و شیطان بزرگ و کشمکش جناحی و انتخابات و اختیارات ولی فقیه و بودجه و طرح یارانه ها و غیره و غیره مشغله جدی حتی حکومتی ها هم نیست. یک حکومت مافیائی است که میکشد تا بماند. جانیانی که تنها نگرانی و دغدغه شان حفظ قدرت و ثروت خود در برابر مردمی است که دیگر مرعوب نمیشوند و از مرز نافرمانی مدنی و گذار مسالمت آمیز گذشته اند و حمله به بانکها و دفاتر و مراکز مذهبی و یگانهای سرکوب و درگیری مسلحانه با اوباش حکومتی در کوچه خیابانها و محلات در بیش از صد شهر را تجربه کرده اند.

دیگر حتی نارضایتی ها و اعتراضات توده مردم بجان آمده از این وضعیت نیز در همان سطح ۶ ماه قبل نیست. مردمی که بیش از ۱۵۰۰ کشته و هزاران مجروح و مفقود الاثر داده اند، از مجروحین خود در خانه ها نگهداری و پرستاری میکنند و

حتی به بیمارستانهای "دشمن" اعتماد ندارند؛ مردمی که شاهد کشتار ۱۷۶ انسان بی گناه در آسمان و زجر دادن داغداران این جنایت از جانب حکومت بوده اند، به چیزی کمتر از سرنگونی و به محاکمه کشیدن جانیان حاکم رضایت نمیدهند.

جنگی رودررو، صریح، آشکار و خونین بین توده مردم و جلادان حاکم آغاز شده است. این جنگ حتی رسماً و علناً از جانب هر دو طرف اعلام شده است. مردم سپاه و بسیج را داعش، و رهبر را قاتل و الدنگ نامیده اند و حکم نابودی جمهوری اسلامی را اعلام کرده اند و رژیم هم مردم را اوباش و فتنه گر و عامل دشمن خوانده است. این یک جنگ تمام عیار به وسعت تمام ایران است. حکومت دشمن، سپاه و بسیج داعشیان قاتل مردم، و زندانیان اسرای جنگی اند. دامنه این جنگ امروز به لبنان و عراق نیز کشیده شده است و مردم بیا خاسته در سه کشور علیه دشمن مشترکشان در کنار هم قرار گرفته اند.

یک نتیجه جنایت حکومت در سه ماه اخیر زخم عمیقی است که بر پیکر جامعه وارد شده است. همه مردم، و نه فقط وابستگان جانباختگان خیزش آبانماه و یا قربانیان شلیک به هواپیما، بلکه توده مردم و کل جامعه از درد و خشم به خود می پیچد و آرام ندارد. این جراحت و زخم عمیق بر پیکر جامعه، که آخرین حلقه از جنایات چهل ساله حکومت است و کل پرونده رژیم جنایت و وقاحت را در برابر جامعه باز میگشاید، تنها میتواند با سرنگونی جمهوری اسلامی التیام پیدا کند. اکنون دادخواهی و بزرگکشدن و محاکمه جانیان حاکم در محور تقابل مردم و رژیم قرار دارد. فقر و فلاکت و بیحقوقی و سرکوب و انواع تبعیضات و نابرابری ها در جامعه بیداد میکند اما امروز مبارزه در تمامی این عرصه ها از حلقه دادخواهی علیه جانیانی که مسبب همه این مصائب هستند

از صفحه ۱

دگر دیسی از "اسلام عزیز" به "ایران عزیز"

عکسهای شاه و فرح در مناسک حج و در حال نماز و در زیارت حرم امام رضا صفحات نشریات را پر کرد و اعلام شد شاهنشاه نظر کرده ابوالفضل است و از روز اول اسلام پناه و عاشق ائمه اطهار بوده است! امروز شاهد همین روند با دنده معکوس هستیم. ولی فقیه بعد از یک عمر کوبیدن بر طبل اسلام عزیز و فرهنگ و قوانین اسلامی و امت و کیان اسلام، ناگهان بیاد ایران عزیز افتاده است. این صرفاً مانوری برای داغ کردن بازار انتخاباتی نیست، بلکه نشانه داغ شدن زمین زیر پای کل حکومت اسلام است. مردم از اسلام و اسلامیت رویگردان و منزجر شده اند، ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی دیگر کارائی ندارد، بیرق ناسیونالیسم را هوا میکنند. اینجا هم علت این دگر دیسی سببه پرزور انقلاب است.

"خدا شاه مهین" در تاریخ معاصر ایران چماق همه دیکتاتورپهرا بوده است. انقلاب ۵۷ شاه را با ولی فقیه عوض کرد اما خدا و مهین همچنان بعنوان ابزار تحمیق و سرکوب در دست طبقه حاکمه باقی ماند. جمهوری اسلامی همیشه در کنار محور اسلام، ایرانیت و عرق و تعصبات ملی را نیز به مدد گرفته است؛ همانطور که اسلام درباری در جوار محور ایرانیت بوسیله حکومت پهلوی بکار گرفته میشد. ناسیونالیسم و مذهب همیشه دو ابزار مهم و مکمل یکدیگر در حفظ سلطه دیکتاتوری پس از دیکتاتوری از انقلاب مشروطه تا به امروز بوده است، اما پدیده دگر دیسی ایدئولوژیک ویژگی دیکتاتورپهرا در حال سقوط است. دیکتاتورپهرا وقتی با خطر مرگ مواجه میشوند از ایدئولوژی و فرهنگ و فلسفه وجودی خود، ایدئولوژی ای که دیگرکارائی خود را از دست داده است، فاصله میگیرند اما این اقدامی از سر استیصال و درماندگی است که تنها سقوط آنان را تسریع خواهد کرد.

در انقلاب ۵۷ اسلام پناهی دزدی از حکومت شاه دوا نکرد، ایرانگیری نیز جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد. امروز دیگر بر همه جهانپان آشکار شده است که حکومت اسلامی ماشین کشتاری بیش نیست و نه ایرانیت و اسلامیت و نه هیچ مکتب و ایدئولوژی و ابزار سرکوب و تحمیق دیگری نمیتواند جانیان حاکم را از آتش خشم توده مردم مصون بدارد. انقلابی که جلوی چشمان ما شکل میگیرد جمهوری اسلامی را بهمراه کل خرافات و مقدسات و تابوهای مذهبی و کل تعصبات و مقدسات ملی - میهنی از سر راه آزادی و رهائی جامعه ایران جارو خواهد کرد.

۷ فوریه ۲۰۲۰

میگذرد. جامعه خواستها و مطالبات انسانی و برحق خود را فراموش نکرده است اما مقابله با رژیم و مبارزه برای تحقق خواستههای برحق کارگران و زنان و جوانان و توده مردم به جنگی تمام عیار علیه جانیان حاکم و برای سرنگون کردن و بمحاکمه کشیدن آنان ارتقا یافته است. جنگی همه جانبه برای بقا، بقای جامعه در برابر بقای حکومت قاتلان!

آتش بس حاضر موقت و زود گذر است. نهادهای و چهره ها و فعالین و چهره های جنبش کارگری، جنبش رهائی زن، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، مادران خاوران و پارک لاله، خانواده های اعدامیان و زندانیان و اسرای جنگی، در کنار دادخواهان کشتار آبانماه و خانواده های داغدار مسافرین هواپیما بیدان خواهند آمد و با قدرت و صلابت وهمبستگی ای عمیقتر و گسترده تر از همیشه جلادان حاکم را بچالش میکشند. نبردهای سهمگین تری در راه است. تجمعات و تظاهرات و اعتصابات و جنگ و گریزهای خیابانی گسترده ای در راه است. باید با تمام قوا برای پیشروی و پیروزی در این جنگ همه جانبه آماده شد. در این جنگ مردم بپاخاسته عراق و لبنان و مردم شریف و آزاده در تمام دنیا با ما و در کنار ما هستند. پیروزی از آن ماست!

زنده با انقلاب!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۳۹۸

۵ فوریه ۲۰۲۰

داهول اسلامی در نقش یک رهبر!

موقعیت خامنه ای در
صحنه سیاسی ایران



محسن ابراهیمی

این شاهد زنده ای بر این حقیقت سیاسی است که او نسخه کمدی خمینی است. اگر بار اول خمینی به صورت تراژدی به صحنه سیاسی وارد شد، بار دوم خامنه ای به صورت کمدی در همین صحنه حضور پیدا کرد.

خامنه ای به معنای واقعی کلمه نسخه کمدی خمینی است. اینکه این نسخه، خود چه سهمی در تداوم تراژدی جمهوری اسلامی دارد تأثیری در این ارزیابی ندارد که خامنه ای کاریکاتوری از خمینی است. نسخه ای بدلی که ایدا نمیتواند نقش اصل را بازی کند. جامعه نمیگذارد.

اگر جمهوری اسلامی با تراژدی خمینی پا به حیات گذاشت، با کمدی خامنه ای باید به حیاتش پایان داد. انقلابی بزرگ در حال شکل گیری است برای رسیدن به این نقطه درخشان. این انقلاب شتاب میگیرد. شتاب میگیرد تا پرده تراژدی خمینی را با کمدی خامنه ای پایین کشد. و آنگاه که این پرده چرکین و خونین



پایین افتاد، قهقهه زندگی و شادی اقبانوسی از انسانها جای مرگ و اندوه را خواهد گرفت.

موقعیت خامنه ای، انعکاسی از بحران جمهوری اسلامی!

اگر چه سران حکومت اسلامی خامنه ای را "مقام معظم"، "رهبر عظیم الشان"، "نایب امام زمان" و "فصل الخطاب" معرفی میکنند، اما او نه عظمتی دارد و نه یک رهبر است. رهبر هیچ چیز. او یک بالماسکه است. یک مترسک است. یک داهول اسلامی است.

خامنه ای مترسکی است که حتی نقش مترسک را هم نمیتواند بازی کند. مترسکها را برای ترساندن و رماندن پرندگان بر سر مزرعه ها نصب میکنند. خامنه ای را بر سر سفره چپاولی به نام جمهوری اسلامی نصب کرده اند که مردم را بترساند. اما این مترسک اسلامی کسی را نمی ترساند. نه تنها نمیتواند بلکه حضورش مایه نفرت و خشم و عصیان و تعرض بیشتر مردم میشود. مردم او را "رهبر الدنگ" خطاب میکنند که باید هر چه زودتر فلنگش را ببندد و برود. "سید علی بدونه، دیگه وقت رفته"، "خامنه ای بدونه، به زودی سرنگونه". اینها کمترین چیزهایی هستند که مردم در خیابانها

نثارش میکنند. "مقام معظم قرار" است مردم را به خانه هایشان برگرداند و صفوف حکومت را منسجم کند. اما مردم هر بار قویتر از قبل کاری میکنند که او به لانه اش برگردد و خطاب به همان صفوفش "ننه من غریبم" راه بیاندازد. به خاطر بیابورید که یکبار همین "مقام معظم" را مردم به آنچنان وضع رقتباری انداختند که با مرثیه "من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم... سید ما مولای ما دعا کن برای ما..." بساط گریه و زاری راه انداخت!

حتما این سؤال پیش می آید که اگر خامنه مترسکی است که حتی قادر نیست بترساند، چرا صفوف جمهوری اسلامی در ظاهر هم که شده اینقدر با سلام و صلوات رهبر رهبر میکنند؟ این یک تناقض نیست؟ البته که یک تناقض است. این یک تناقض است که سران حکومتی در بن بست، حکومتی در پرتگاه، "رهبری" را که مردم قبلا با عبارت "رهبر الدنگ" بادش را خالی کرده اند همچنان باد میزنند تا این حکومت را از بن بست نجات دهد اما مردم هر بار سریعتر از گذشته بادش را خالی میکنند. این تناقض ریشه اش در بن بست

ادامه در صفحه ۴

از صفحه ۱ غلط کردید بر سند رسمی جنایت خود، مهر محرمانه زدید

حکومت و فرمانده کل نیروهای مسلح. جمهوری اسلامی مهر محرمانه بر این سند زده و به دولت اوکراین گفته است که حق علنی کردن آنرا نداشته است. این جنایت چنان آشکار و دروغگویی مقامات حکومت چنان بیشمارانه است که با حمله به دولت اوکراین نمی توان آنرا توجیه و پرده پوشی کرد. بعد از علنی شدن مکالمه خلبان پرواز آسمان با برج مراقبت، رئیس کمیسیون عمران مجلس اسلامی هم گفته است: "یک هواپیمای قطری هم که در نزدیکی محل حادثه در حال عبور بوده اظهاراتی مشابه را با برج مراقبت تبادل کرده است."

اقدامات ناشیانه قاتلان مردم، از سه روز دروغ گویی و تحویل ندادن جعبه سیاه و سپس محرمانه کردن سند جنایت، بخشی از سناریوی کثیف پاکسازی آثار جرم و جنایت است اما هرچه بیشتر تلاش میکنند بیشتر در لجن و در درماندگی فرو میروند و به خشم و نفرت بیشتری از کل این دم و دستگاه قتل و جنایت و کثافت اسلامی دامن میزنند. پس از این جنایت مهیب

و دروغ گویی نقشه مند سران مختلف حکومت، افکار عمومی جهانی و وجدانهای آگاه و بیدار جهان، هیولای حکومت اسلامی و ظرافت های فوق جنایی آن را بهتر از هر وقت شناخته است و سازش دول غربی با جمهوری اسلامی را دشوارتر کرده است. اکنون خانواده های جانباختگان و کل مردم ایران خواهان کشاندن خامنه ای و سایر سران حکومت به یک دادگاه بین المللی و بازجویی و محاکمه آنها هستند.

حزب کمونیست کارگری ضمن همدردی عمیق با خانواده های داغدار، همه آنها و همه مردم خشمگین از جنایات بیشمار حکومت اسلامی را فرامیخواند تا با خواست محاکمه کلیه دست اندرکاران رژیم، فشار بر روی دول غربی برای محکومیت حکومت اسلامی و کشاندن سران حکومت به یک دادگاه بین المللی را بیشتر کنند. جنایت گور خود را کنده است. نباید امانش داد.

خامنه ای، روحانی، سران سپاه و سایر مقامات حکومت باید دادگاهی شوند

جمهوری اسلامی نابود باید گردد

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ بهمن ۱۳۹۸
۴ فوریه ۲۰۲۰**

**جمهوری اسلامی
نابود باید گردد!**

از صفحه ۳

داهول اسلامی در نقش یک رهبر!

لاینحل خود جمهوری اسلامی است. موقعیت رقت بار شخص خامنه‌ای آینه تمام نمای موقعیت رقت بار خود جمهوری اسلامی است.

به آخرین عجز و لابه‌های "رهبر عظیم‌الشان" در همین چند روز اخیر دقت کنید. در میان گله‌های حکومتی‌ش ظاهر شد و در میان نعره‌های "صل علی محمد، یاور رهبر آمد"، در حالیکه هنوز از پوزه اش خون قیام‌کنندگان آبان می‌چکید، خطاب به مردمی که خیابانها را با فریاد "کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل را ستایش کنیم" عجز و لابه کرد که "ممکن است کسی از بنده خوشش نیاید اما اگر ایران را دوست دارد، باید پای صندوق رأی بیاید."

می‌بینید که همان "رهبر" که چهار ماه پیش فرمان کشتار مردم را داده بود، امروز در مقابل همان مردم ناگزیر میشود چاپلوسی کند. این نشانه‌ای روشن از حکومتی متزلزل، حکومتی ورشکسته در مقابل تحریک انقلابی مردم است. روشن است که مردمی که توحش حکومت را با فریاد "توب، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد" استقبال میکنند، عجز و لابه خامنه‌ای را به حساب نفسهای آخر لاشخورهای حاکم خواهند گذاشت، همانطور که قبلاً هم "رهبر" بارها از این چاپلوسیها کرده است اما مردم قدرتمندتر از گذشته در خیابانها به مصادف حکومت رفته‌اند. حکومت اسلامی نه راه پیش دارد و نه راه پس. نه میتواند با خونریزی بترساند و نه میتواند با چاپلوسی آرام کند. جمهوری اسلامی در بن بست

است. رهبرش هم همچنان. راه حل این بن بست هم فقط در مرگ و نابودی حکومت اسلامی است.

خمینی و خامنه‌ای: یک مقایسه کوتاه!
خیلی از رهبران تاریخی - چه راست و ارتجاعی و چه چپ و پیشرو - در هر صورت جنبش خودشان را در یک پروسه پر پیچ و خم از موانع عبور میدهند و در نتیجه صاحب نفوذ کلام و اتوریته در صفوف آن جنبش میشوند. خمینی در راس جنبش ارتجاعی اسلامی و برای مقابله با انقلاب مردم توانست این نقش را ایفا کرد. او در متن یک اعتراض وسیع توده‌ای علیه سلطنت، به یمن حمایت رسانه‌ای بیدریغ بی بی سی و به پشتوانه تصمیمات کنفرانس گوادولوپ و البته با تلاش شبانه‌روزی طیف وسیع شخصیت‌های جریان ملی اسلامی توانست بر دوش یک انقلاب توده‌ای سوار شود برای سلاخی آن انقلاب نقش ایفا کند.

بعد از مرگ خمینی، خامنه‌ای در یک جلسه مضحک "انتخاب رهبر" در مجلس خیرگان به کمک شعبده‌بازی رفسنجانی یک دفعه "رهبر" شد. شعبده‌بازی که با نقل چند کلمه از خمینی نسخه بدل خمینی را به رهبر تبدیل کرد: "... شما اگر آقای منتظری را کنار بگذارید ما در رهبری دچار مشکل می‌شویم... ما فردی را نداریم الان که مطرح کنیم در جامعه... امام فرمودند چرا نداریم؟ آقای خامنه‌ای." و به همین سادگی خامنه‌ای واکنش خامنه‌ای همان لحظه نشان میداد که نسخه کمدی خمینی را برای بازیگری در یک تراژدی که کارگردانش خمینی بود جلو

انداخته‌اند: "واقعا باید خون گریست به جامعه اسلامی که حتی احتمال کسی مثل بنده در آن [برای رهبری] مطرح بشود... برای بسیاری از آقایان، حرفم حجت حرف رهبر را ندارد. این چه رهبری خواهد بود؟"

پاسخ این سؤال را مجلس خبرگان نمیتوانست بدهد. اما مردم الان دارند پاسخ میدهند. و البته هیچ فرقی نمیکرد با شعبده‌بازی در مجلس خبرگان چه کسی از کلاه این مجلس اسلامی در می‌آمد. هر کس در می‌آمد سرنوشتش همان بود که امروز خامنه‌ای دچارش شده است.

خمینی نماینده صعود حکومت اسلامی بود. خامنه‌ای نماینده سقوط آن است. خمینی نماینده قدرت حکومت اسلامی بود. خامنه‌ای نماینده ضعف آن است. خمینی رهبر تثبیت حکومت اسلامی بود. خامنه‌ای عامل تضعیفش است. اگر خمینی قدرتش را بردوش انقلاب 57 گرفت و برای شکستن کمر همان انقلاب به کار برد، خامنه‌ای ضعفش را از شروع انقلابی دیگر میگیرد. اگر خمینی و جمهوری اسلامی شکست انقلاب 57 را به فرجام رساندند، خامنه‌ای و جمهوری اسلامی با انقلاب آتی شکست خواهند خورد و عمرشان به پایان خواهد رسید.

آنچه خامنه‌ای را به این روز انداخته است روزگار خود جمهوری اسلامی است. کسی نمیتواند بر راس حکومت اسلامی ورشکسته باشد و کاریسما تیک باشد. بانفوذ باشد. مقتدر باشد. حکومتی که در بن بست است، رهبرش هم قاعدتا باید تجسمی از همین بن بست باشد. آنچه خامنه‌ای را منفور و مطرود و

منزوی کرده است، منفور و مطرود و منزوی بودن خود حکومت اسلامی است. آنچه خامنه‌ای را پریشانحال و زبون کرده است و پریشانحالی و زبونی خود حکومت اسلامی است. به این ترتیب نه خامنه‌ای میتواند به داد حکومت اسلامی برسد و نه حکومت اسلامی به داد خامنه‌ای. هر دو باهم رفتنی هستند!

باید آرزو کرد خامنه‌ای با مرگ طبیعی به درک واصل نشود و همراه جمهوری اسلامی ساقط شود. حضور خامنه‌ای در مقابل دادگاهی که به جنایاتش رسیدگی میکند لحظه شورانگیزی خواهد بود. اتفاقی که آینده دیکتاتورهای دیگر را برایشان نشان خواهد داد، اتفاقی که امید تازه‌ای به همه انسانهایی خواهد داد که در حال نبرد با دیکتاتورهای رنگارنگ جهان سرمایه‌داری هستند.

شعارها علیه خامنه‌ای: نشانه پیشرفت جنبش سرنگونی؟

اگر خامنه‌ای یک مترسک است، در این صورت این همه شعار در خیابانها علیه او آب در هاون کوبیدن نیست؟ نشانه‌ای از تمرکز جنبش انقلابی روی یک شخص آتهم یک شخص مضحک به جای کلیت جمهوری اسلامی نیست؟

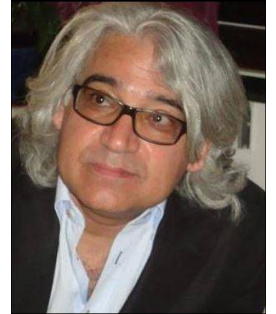
قبل از هر چیز خامنه‌ای را جنبشی به این روز انداخته است که علیه جمهوری اسلامی راه افتاده است. اما در یک سطح پایه‌ای تر، هیچ انقلابی با شعار علیه کلیت نظام مورد تعرضش شروع نمیشود. نمایندگان شاخص آن نظام، تجسمها و سمبلهای شاخص نظام و مخصوصا شخصی که یک نظام سیاسی را به هر معنایی نمایندگی میکند برای هر انقلابی مهم است. اما در عین حال هیچ

انقلابی نمیتواند پیروز شود اگر خود را به چنین شخصی محدود کند؛ از آن فراتر نرود و زیر و رو کردن کل نظام با تمام ارکان سیاسی، قضایی، قانونی، اجرایی و امنیتی و سرکوب و نهایتا بنیادهای اقتصادی را در دستور نگذارد.

در میان اپوزیسیون نیروهای تلاش میکنند که شعارهای مردم علیه خامنه‌ای محدود شود. همین نیروها قبل از اینکه شعار مرگ بر خامنه‌ای توده‌ای شود، حتی تلاش میکردند ولی فقیه فقط مشروط شود!

از اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت گرفته که نفی ولایت مطلقه فقیه و مشروط کردن آن آخرین نقطه آرمانخواهی ارتجاعیشان است (فقیه باید سلطنت کند نه حکومت)، تا مجاهد که مخالف حکومت آخوندی است و نه حکومت اسلامی سرمایه، تا جمهوری - سلطنت طلبانی که مشکشان بخش "تبه‌کار" نظام اسلامی است و مذهب و اسلام و آخوند و پاسدار "خوب" و بد دارند، همه در صف نیروهایی هستند که تا میتوانند در مقابل انقلاب مردم برای سرنگون کردن کلیت حکومت اسلامی و پایان دادن به نظام سرمایه‌داری مانع ایجاد خواهند کرد. اینها نیروهایی هستند که در لباس "اپوزیسیون" - چه داخل حکومت و چه خارج از حکومت - نقشه سقط کردن انقلاب آتی علیه جمهوری اسلامی را دارند. "رادیکال" ترین اینها اگر ناگزیر از تن دادن به رفتن جمهوری اسلامی شوند، تلاش خواهند کرد جنبش انقلابی مردم از یک تحول ساده سیاسی فراتر نرود و ساختارهای نظم طبقاتی حاکم دست نخورده ادامه در صفحه ۱۰

حسن صالحی به کمپین نجات هوشمند علیپور پیوندید!



مجازات ضد انسانی اعدام مطرح شده است. به اعتبار این تلاشها اکنون می توان گفت که نام هوشمند علیپور یک نام آشنا تر در سطح بین المللی است و او حامیان بیشتری در سطح جهان پیدا کرده است. اما این تلاشها بهیچ وجه کافی نیست و ما باید بتوانیم به تلاشهای بمراتب گسترده تری برای نجات این فعال سیاسی بپردازیم. چرا کمپین نجات هوشمند علیپور اهمیت دارد؟

اهمیت کمپین نجات هوشمند علیپور فقط این نیست که نفس اعدام ضد انسانی است و ما مخالف اعدام هستیم. جمهوری اسلامی می خواهد جوانی ۲۶ جز خواستن آزادی و یک زندگی بهتر مرتکب نشده است. کشتار و نیستی و مرگ جواب همیشگی جمهوری اسلامی به یک جامعه تشنه آزادی و مساوات و عدالت بوده است. و حالا که مردم ایران بیخاسته اند که کار این حکومت سرکوبگر، جانی و فاسد را یکسره کنند جمهوری اسلامی به جنگ برای بقا دست زده است و می خواهد به هر ترتیب حاکمیت منحوس خود را از آماج حملات مردم بدر ببرد. اعدام یکی از ابزارهای جمهوری اسلامی برای جلوگیری از پیشروی مردم در شرایط کنونی است. اینکه جمهوری اسلامی تحت عنوان کدام اتهامات کذایی هوشمند علیپور را به اعدام محکوم کرده است در این میان چندان اهمیتی ندارد. جمهوری اسلامی می خواهد بکشد تا بماند. همانطور که در جریان اعتراضات آبان ۱۵۰۰ تن از مردم معترض را به گلوله بست و جوابگوی



کسی هم نیست. اهمیت دیگر کمپین نجات هوشمند علیپور این است که ما در جنگ برای نجات یک جوان به جمهوری اسلامی نشان دهیم که ما سودای عقب نشینی نداریم. ما سر سوزنی قصد پس نشستن نداریم و تاز مانیکه جمهوری اسلامی این حکومت تباهی و مرگ و نیستی را سرنگون نکرده باشیم و سران جنایتکار آن را محاکمه و مجازات نکنیم آرام نخواهیم گرفت.

در تظاهرات با شکوهی که در اعتراض به حکم اعدام هوشمند علیپور در لندن در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد (حدود ۳۰۰ نفر در این گردهمایی شرکت داشتند)، شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در یک سخنرانی شورانگیز گفت: "هوشمند علیپور صدای نسلی است که در خیابانهای ایران، لبنان و

عراق به کثافت اسلامی نه میگوید، به ستم و سرکوب و فقر نه گفت. آیا رژیم با اعدام رامین و زانبار و لقمان، با کشتن ۱۵۰۰ نفر و دستگیری ۸۰۰۰ نفر در اعتراضات آبان، با اعدام هزاران نفر در دهه شصت توانست اعتراضات مردم را ساکت کند؟ ما تک تک شما جنایتکاران را به محاکمه می کشیم و باید جوابگوی مادر سهیل عربی، آتنا دائمی، آرش صادقی و هزاران زندانی دیگر باشید."

مینا احدی نیز از طرف کمیته بین المللی علیه در سخنرانی خود در استکهلم در اعتراض به حکم اعدام هوشمند ضمن بی اعتبار دانستن توجیحات جمهوری اسلامی برای صدور چنین حکم ضد انسانی اعلام کرد: "جواب من به جمهوری اسلامی که می گوید چون هوشمند علیه حکومت دست به مبارزه مسلحانه زده و به

این خاطر باید اعدام شود این است که وقتی اراذل و اوباش شما با اسلحه ۱۵۰۰ نفر را در خیابان می کشند دور نیست روزی که مردم با اسلحه در مقابل شما بایستند این جرم نیست. چرا که شما با زبان خوش دست از سر این مردم بر نخواهید داشت."

"او در ادامه با این سخنان به صحبتهای خود خاتمه داد: "به نظر من دیگر دوران جمهوری اسلامی دارد تمام می شود و فرا خوان من به همه ایرانیان در خارج کشور و مردم در ایران این است که با نیروی متحد خود نقطه پایانی بگذاریم به اعدام و اعدام فعالین سیاسی در ایران. الان وقتش است. این حکومت در آستانه سرنگونی هست و به این معنا ما می توانیم هوشمند را نجات دهیم."*



حسن صالحی دادخواهی، دادخواهی، دادخواهی...

این کلمات را حامد اسماعیلیون در مراسم بزرگداشت همسر و فرزندانش، پریسا اقبالی و ری را، که در جنایت سقوط هواپیما توسط جمهوری اسلامی کشته شدند، مورد تاکید قرار داد. او تنها راه تابیدن نوری بر قلبهای به تاریکی نشسته خانواده های کشته شدگان پرواز ۷۵۲ را دادخواهی، تحویل جعبه سیاه و آشکار شدن رازهای این پرواز مرموز دانست. در این مراسم که در تورنتو کانادا برگزار شد بیش از ۱۵۰۰ نفر شرکت داشتند.

دادخواهی آن مسیری است که برای خلاص شدن از یک حکومت وحشی و آدمکش در مقابل همه مردم ایران قرار دارد. این جنبشی است که می تواند همه کسانی که زخمی از این رژیم جانی بر تن دارند را با یکدیگر متحد کند تا بر هیولای اسلامی غلبه یابند. جامعه ایران دیگر نمی تواند به اوضاع "عادی" بر گردد تا زمانی که معلوم نشود چطور و چگونه یک هواپیمای مسافربری در نزدیکی یک فرودگاه بین المللی توسط موشک های سپاه پاسداران سرنگون شد و جان ۱۷۶ انسان را گرفت.

جامعه نمی تواند از خون ریخته شده ۱۵۰۰ نفر از مردم شریف و معترض در خیزش آبان بگذرد. جامعه نمی تواند اجازه دهد که دستگیر شدگان اعتراضات آبان در اسارت جمهوری اسلامی باقی بمانند و خطر مرگ و اعدام بالای سرشان باشد. جامعه نمی تواند شاهد

هر روزه فاجعه ای جدید و قربانی شدن مردم بی گناه باشد. جامعه نمی تواند به آرامش برسد تا زمانیکه قاتلین و مسببین همه فجایع تحمیل شده بر مردم ایران بر سر کارند. بی جهت نیست که اعتراض و مبارزه علیه حکومت جنایت و آدمکش جمهوری اسلامی از هر سو بلند است. بی جهت نیست که مادران دادخواه خاوران برای خانواده های کشته شدگان پرواز ۷۵۲ پیام می فرستند با آنها همدردی میکنند و از یک درد مشترک سخن می گویند. درد مشترکی که بدون مجازات جنایتکاران که برای بقای خود جان عاشق دهها هزار انسان را گرفتند درمان نخواهد شد.

واقعیه سرنگون شدن هواپیمای اوکراین توسط سپاه پاسداران یک جنایت عامدانه، فجیع و هولناک بود. همه خصوصیات ضد انسانی جمهوری اسلامی در این جنایت نقش افرینی کردند. آدم کشی، پلیدی، دروغگویی، فریبکاری و رندی اسلامی. هر روز که می گذرد ابعاد تازه ای از این جنایت روشن می شود. بنا به گزارشات تازه مکالمات پرواز "آسمان" و "قطر" با برج مراقبت موید این است که این دو هواپیما نیز شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی را مشاهده و آن را به برج مراقبت گزارش کرده بودند. بنابراین مقامات حکومت و سازمان هواپیمایی کشور از همان اول از ماجرای شلیک موشک به هواپیما خبر داشته اند. با اینحال علی عابدزاده، رئیس این سازمان پس از ساقط شدن هواپیما ۷۵۲ اعلام کرد: "آنچه برای ما محرز هست و با اطمینان می توانیم بگوئیم این است که موشکی به این هواپیما اصابت نکرده است. مگر می شود

پدافند به هواپیمایی شلیک کند که ۸ هزار پا ارتفاع دارد؟" و حالا ما این سؤال را در مقابل جمهوری اسلامی قرار می دهیم: مگر می شود که شما این کار "ناممکن" را بکنید و بعد آنرا به حساب "خطای انسانی" بگذارید؟ در همانحال خاطر نشان کنیم که وزیر حمل و نقل کانادا از جمهوری اسلامی خواست که توضیح دهد، به چه دلیل به دنبال حمله موشکی اجازه پرواز به هواپیمای مسافربری داده است؟ به گزارش سایت سی.بی.سی کانادا، وزیر حمل و نقل مارک گارنیو گفت، او می خواهد بداند که به چه دلیل ایران فضای هوایی خود را همان شب که دو موشک به هواپیمای مسافربری شماره ۷۵۲ شلیک کرد و ۱۷۶ مسافر آن راکه ۵۷ تن از آنها کانادایی بودند را کشت، باز نگه داشت و آیا ایران عمدا اجازه داد که هواپیمای مسافربری به عنوان یک پوشش انسانی پرواز کند.

تلاشهای فراوانی در جریان است که علیه جمهوری اسلامی به خاطر سرنگون کردن هواپیمای اوکراینی اعلام جرم شود تا این رژیم جانی برای محاکمه

به یک دادگاه بین المللی کشانده شود. در این رابطه "علی گرجی"، عموی پونه گرجی (یکی از کشته شدگان پرواز ۷۵۲) از ثبت شکایتی علیه جمهوری اسلامی در دادگاه انتاریو و تحت بندی از مجموعه قوانین جزایی کانادا خبر داد. وی در گفتگو با ایران وایر اعلام داشت: "مسئول و آمر این جنایت خامنهای و فرماندههای نظامی هستند و خوشبختانه خانواده های دیگر هم به ما پیوسته اند. منتها به خاطر این که خانواده ها را در ایران تحت فشار گذاشته اند بنا شده است اسم شاکیان علنی عنوان نشوند که همه بتوانند با خیال راحت به ما بپیوندند."

علی گرجی می گوید برخی از خانواده های اوکراینی هم به گروه شاکیان پیوسته اند: "بخشی از ادعای ما در شکایت این است که شلیک عامدانه بوده است و به دنبال اثبات این هم هستیم. این یک تلاش بین المللی خواهد بود و ما شواهد زیادی هم داریم و با متخصصان زیادی هم در تماس هستیم." همچنین باید اشاره کنیم که بنا اخبار منتشر شده

است.*

عبدل گلپریان

انقلاب کوبنده مردم عراق وارد پنجمین ماه خود شد



اعتراضات مردم عراق که از اول اکتبر سال گذشته برای پایان دادن به، فساد، فقر، بیکاری و نداری آغاز شد، وارد پنجمین ماه خود شد. خیزش مردم عراق اکنون در قامت یک انقلاب سراسری علیه کل دستگاه حاکم بر این کشور همچنان کوبنده ادامه دارد.

حاکمیت عراق که بعد از استغفای عادل عبدالمهدی از مقام نخست وزیری بدون نخست وزیر و کابینه دولت سرپا مانده، با بن بست و بحران همه جانبه ای روبروست. بعد از رایزنی های پشت پرده میان احزاب پارلمانی و بدور از چشم مردم، روز شنبه اول فوریه ۲۰۲۰ رئیس جمهور برهم صالح محمد توفیق علاوی را برای پست نخست وزیری مامور تشکیل کابینه کرد. اما مردم عراق بویژه مردم معترض و قیام کننده ناصریه و بغداد بلافاصله به تظاهرات گسترده ای در رد او راهپیمایی کرده و علیه محمد توفیق علاوی شعار سردادند. اکنون بعد از گذشت نزدیک به یک هفته از اعلام نام محمد توفیق علاوی برای پست نخست وزیری، تمامی شهرهای عراق علیه او دست به تظاهرات گسترده ای زده اند.

اما محمد توفیق علاوی کیست؟ محمد توفیق علاوی عضو حزب الدعوه اسلامی بوده و در سال ۲۰۰۵ همراه با ایاد علاوی لیستی را بنام "عراقیه" تشکیل داده بودند و سال ۲۰۰۶ عضو پارلمان بوده است. در سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۲ بمدت دو سال در کابینه نوری مالکی نیز وزیر ارتباطات بوده است. برای مردم عراق که طی چهار ماه گذشته قاطعانه اعلام کرده اند که نخست وزیر آینده و هر شخصی که پستی از نهادهای حکومت عراق را اشغال میکنند، طی ۱۷ سال گذشته نباید عضو هیچ حزب پارلمانی بوده باشد. حتی در پایین ترین سطوح اداری نیز نباید مسئول بوده باشد. شروط مردم انقلابی عراق معنایی جز این ندارد که از بالا تا پایین، سیستم عشیره ای اسلامی حاکم بر عراق طی ۱۷ سال اخیر در فساد، دزدی، تحمیل فقر و تباهی بر مردم عراق نقش داشته اند و نباید در کلیدی ترین پستهای حکومتی قرار بگیرند. مردم خواهان تعیین چهره و شخصیتهایی در میان نمایندگان خود برای اداره امور کشور هستند و این یعنی کنار زدن تمامی احزاب، جریانات و مهره های کنونی حاکم بر کشور. محمد توفیق علاوی که هنوز رای اعتماد مجلس را با خود ندارد روز شنبه اول فوریه در یک برنامه تلویزیونی خطاب به مردم عراق اعلام کرد که: "من بدون وجود شما مردم ناراضی و معترض هیچی نیستیم. شما مردم عراق باید به من یاری رسانید تا بتوانم خواستهای شما را متحقق کنم". محمد توفیق علاوی در بخش دیگری از پیامش به مردم عراق گفته است: "باید تا تحقق خواستههایتان به

تظاهرات و حضور در خیابانها و میادین ادامه دهید و باقی بمانید". سخنان محمد توفیق علاوی مبنی بر "من بدون شما مردم معترض هیچی نیستیم"، یا "تا تحقق خواستههایتان به تظاهرات و حضور در خیابانها و میادین ادامه دهید و باقی بمانید". یک کلاهبرداری شایدانه برای پذیرش خود از سوی مردم قیام کننده در عراق است که با ادای این نوع از سخنان عوامفریبانه ابتدا میکوشد جای پایش را محکم و خود را مطلوب و مورد پذیرش مردم معترض قرار دهد آنگاه با کسب این اعتبار کاذب اقدام به خواباندن و سرکوب انقلاب مردم کند. از هم اکنون نشانه های این سیاست و ترفندهای محمد توفیق علاوی، رئیس جمهور و احزاب پارلمانی را میتوان در ایفای نقش حزب اسلامی سائرون متعلق به مقتدا صدر بوضوح مشاهده کرد.

بعد از معرفی محمد توفیق علاوی یکی از اعضای پارلمان عراق وابسته به "سائرون از جریان اسلامی مقتدا صد" در مصاحبه ای با خبرنگار یکی از تلویزیونهای کرد زبان گفته بود: "هیچ توافقی از پیش برای منصوب کردن محمد علاوی در میان احزاب پارلمانی از جمله سائرون صورت نگرفته است".

همین اظهارات بخوبی نشان داد که برعکس سخنان این عضو پارلمانی از جریان سائرون، آنان خود از حامیان و موافقین محمد توفیق علاوی برای پست نخست وزیری عراق بوده اند. بجز مقتدا صدر جریان دیگر شیعه در پارلمان عراق وابسته به هادی عامری از سرکردگان حشد الشعبی نیز از محمد توفیق علاوی حمایت کرده است. این بدین معنا است که

محمد توفیق علاوی مورد تایید جمهوری اسلامی بوده است و این دو جریان اسلامی وابسته به سائرون و حشدالشعبی از مدافعان توفیق علاوی هستند. همزمان با این تحول و معرفی محمد توفیق علاوی برای پست نخست وزیری از سوی برهم صالح رئیس جمهور، جریان اسلامی سائرون وابسته به مقتدا صدر تمامی نیروها و هواداران خود را که در جریان اعتراضات بعنوان نیرویی حائل که یک پا در خیابان و یک پا در پارلمان داشتند تا نقش کنترل و به شکست کشاندن حرکت انقلابی مردم را به سرانجام برساند، تمامی هواداران خود را از خیابانها جمع کرد و اکنون بعنوان ابزار نیروهای امنیتی برای برهم زدن تجمعات و تظاهرات مردم ایفای نقش میکند. در همین رابطه از اول فوریه تا پنجم فوریه نیروها و هواداران مقتدا صدر در نجف، ناصریه و بغداد همگام با نیروهای امنیتی با چوب و چماق و کلت کمتری تلاش میکنند چادرها و مراکز تجمع تظاهرکنندگان را برهم بزنند. آنان با حمایت نیروهای امنیتی و با استفاده از بطری های آتش زا به چادرهای معترضین در میادین و محل تجمع شبانروزی جوانان و مردم حمله میکنند. این تلاشهای ضد انقلابی جریان مقتدا صدر خشم و نفرت مردم معترض را چندین برابر کرده است تا جاییکه جوانان در میدان حبوبی ناصریه از ابتدای شب دوشنبه تا صبح سه شنبه چهارم فوریه در خیابانها ماندند و با آتش زدن لاستیک مسیر های اصلی عبور و مرور را بستند و مانع آن شدند که هواداران مقتدا صدر معروف به "کلاه آبی ها" به محل تمرکز و تجمع مردم

در میدان حبوبی نفوذ کنند. انفجار یک بمب که توسط چند نفر با استفاده از یک اتومبیل در اطراف میدان حبوبی و همچنین در میدان تحریر بغداد به اطراف پرتاب شد و خوشبختانه تلفات جانی نداشت، توسط هواداران مقتدا صدر انجام گرفته بود.

مدت یک ماه است که دانشجویان و دانش آموزان در نجف در اعتصاب بسر میبرند. مقتدا صدر خواستار بازگشت دانشجویان و دانش آموزان نجف به دانشگاهها و مدارس شده است اما آنان با سردادن شعار علیه مقتدا صدر و تظاهرات خیابانی پاسخ دندان شکنی به او و هوادارانش دادند. مقتدا صدر برای جبران ناکامی خود و جریانش روز جمعه ۳۱ ژانویه توجه خود را به موصل در استان نینوا معطوف کرد. او از مردم موصل خواسته بود برای خروج آمریکا از عراق در این روز به خیابانها بیایند اما مردم موصل نه تنها به این خواست کمترین توجهی نکردند بلکه اکنون خواهان خروج جریان حشد الشعبی هم پیمان مقتدا صدر از نینوا شده اند. مردم موصل که چند سال شلاق همجنسان مقتدا صدر در قامت دولت خلافت اسلامی (داعش) را هنوز بر پیکر زخم خورده خود حس میکنند، به این فراخوان پاسخ منفی دادند و در واکنش به تقلاهای مقتدا صدر، تحقق یک زندگی انسانی و تامین رفاه و امنیت را حق مسلم مردم عراق عنوان کردند. در همین رابطه روز پنجشنبه ۶ فوریه مردم موصل در اعتراض به اذیت و آزار جریان اسلامی و دست ساز جمهوری اسلامی در عراق، در تجمع اعتراضی خود خواهان خروج تمام و کمال نیروهای حشد الشعبی ادامه در صفحه ۸



علاوی هم نخواهد توانست حکومت و احزاب پارلمانی عراق را از بحران و بن بست بیستی که در آن گیر کرده اند نجات دهد. جنایاتی که این روزها جریان اسلامی مقتدا صدر بویژه در نجف به آن دست زده است، بحران، بن بست و شکست حکومت عشیره ای اسلامی عراق را عمیقتر خواهد کرد. روزهای پیش رو بدون تردید شاهد تشدید، اوج گیری و گسترش هر چه بیشتر اعتراضات مردم عراق علیه حکومت و احزاب پارلمانی این کشور که نوید دهنده آینده ای بهتر است خواهیم بود.*

عراق را نیز نقش برآب خواهند ساخت. علائم این پیروزی را از همان ساعات اولیه ای که رئیس جمهور عراق محمد توفیق علاوی را برای تشکیل کابینه معرفی کرد، میشد دید که مردم بخوبی ماهیت این خیمه شب بازی سیاسی بالایی ها را افشا و رسوا کردند و با اعتراضات وسیع و گسترده خود مهر باطلی بر تصاویر محمد توفیق علاوی کوبیدند. اما نکته مهم و تعیین کننده همانا تصمیم، اراده و عزم جزم مردم انقلابی عراق است که حرف اول و آخر را میزنند. قطعا محمد توفیق

مستقل خود را کاندید و معرفی کنند." قطعا این نوع از شایعی کاربردستان حکومت عراق از سوی مردم انقلابی با شکستی مفتضحانه تر روبرو خواهد شد. آنان خیال میکنند گویا مردم عراق مهره های معرفی شده برای شرکت در کابینه دولت را نمی شناسند. مردم هوشیار و انقلابی عراق شاهد این هستند که از هم اکنون دعوا در بین احزاب پارلمانی برای سهم خواهی همیشگی شان مبنی بر: "چند وزارت خانه باید سهم شیعه، سنی و کرد" باشد، شروع شده است و همزمان محمد توفیق علاوی دم از اعضای مستقل کابینه میزند. مردمی که طی بیش از چهار ماه گذشته تجارب ارزشمند و گرانبهایی از مبارزه، انقلاب و به بن بست کشاندن تمامی دارودسته های حکومتی را تجربه کرده و آبدیده شده اند، این شایعی کاربردستان و احزاب حاکم بر

به این دو جریان شیعی است که از سوی حکومت عراق و جمهوری اسلامی بجان مردم عراق انداخته شده اند. هم اکنون تظاهرات و اعتراض مردم در اغلب شهرهای عراق در جریان است.

جنایت شب گذشته طرفداران مقتدا صدر در نجف نیز که جان تعدادی از معترضین را گرفت، همان سیاستی است که قرار است محمد توفیق علاوی در روزهای آینده در پست نخست وزیری برای سرکوب مردم معترض بر عهده بگیرد. با این حال خشم و اعتراض مردم در سراسر عراق هر لحظه فزون تر میشود و روز جمعه ۷ فوریه مردم با برگزاری تظاهرات گسترده خود پاسخ محکم تری به تمامی دستجات و باندهای عشیره ای اسلامی حکومت عراق و جمهوری اسلامی خواهند داد.

با دور انداخته شدن جریان اسلامی مقتدا صدر از صف مردم معترض، انقلاب آنان با شفافیت بیشتری علیه تمامی دارودسته های اسلامی و عشیره ای در پارلمان و حکومت برای پیروزی گام برمیدارد. با اینحال تلاشهای محمد توفیق علاوی بر این استوار شده است که تا آخر فوریه و اول ماه مارس کابینه خود را برای گرفتن رای اعتماد به پارلمان معرفی کند. محمد توفیق علاوی در ترفند دیگری با همکاری و همفکری رئیس جمهور، احزاب پارلمان و رهنمودهای جمهوری اسلامی جهت شیره مالیدن بر سر مردم انقلابی عراق اعلام کرده است که: "اینبار اعضای کابینه نه با اسم عضویت آنان در احزاب پارلمانی بلکه اعضای این کابینه باید بطور فردی و

از صفحه ۷

انقلاب کوبنده مردم عراق وارد پنجمین ماه خود شد

از استان نینوا و شهر موصل شدند.

علاوه بر این اوایل بامداد پنجشنبه ۶ فوریه نیروهای جریان سائرون مقتدا صدر در شهر نجف با مردم معترض و جوانان این شهر درگیر شدند و هواداران مقتدا صدر معروف به "کلاه آبی ها" با آرپی جی و خمپاره مکانهای تجمع مردم را مورد هدف قرار دادند و با شلیک مستقیم گلوله نیروهای صدر و امنیتی متاسفانه تا کنون ۱۳ نفر جان خود را از دست داده و ۱۲۷ نفر دیگر زخمی شده اند. این درگیری بین نیروهای مقتدا صدر که اکنون نقش نیروهای سرکوب امنیتی را علیه تظاهر کنندگان بر عهده گرفته اند همچنان ادامه دارد و تظاهر کنندگان بجای پرچم عراق، لگوی سازمان ملل را در دست گرفته اند تا بلکه سازمان ملل نسبت به جنایاتی که حکومت عراق، نیروهای امنیتی و جریانات اسلامی صدر و حشد اشعی علیه آنان انجام میدهد از خود واکنش نشان دهد.

بدون شک حکومت عراق و جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم انقلابی عراق تلاش میکنند با اتکا به مقتدا صدر و هادی عامری از جریان سائرون و حشد اشعی، جای قاسم سلیمانی را در سرکوب مردم انقلابی عراق پر کنند. عکس العمل تند مردم موصل طی یک هفته اخیر در مقابل مقتدا صدر و حشد اشعی، پاسخ دندان شکن و کوبنده ای

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

محمد شکوهی

فاجعه جنگ داخلی در سوریه! ادامه جنگ و، کشتار و آواره گی مردم



در هفته های اخیر با گسترش حملات هوایی و بمبارانها توسط رژیم اسد به همراه روسیه و جمهوری اسلامی علیه "مخالفان" رژیم اسد که عمدتاً دار و دسته های تروریست اسلامی وابسته به دولتهای ترکیه، عربستان، قطر و امارات و ... در استان ادلب سوریه هستند، جنایت و کشتار غیر نظامیان در این کشور ابعاد فاجعه بارتتری به خود گرفته است. بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده بدنبال بمبارانهای سنگین و ادامه دار در چند هفته اخیر صدها نفر از مردم غیرنظامی کشته، هزاران نفر زخمی و بیش از ۵۰۰ هزار نفر از خانه و کاشانه شان آواره شده اند. بمبارانها ادامه دارد.

اوایل هفته گذشته وزارت دفاع روسیه با صدور بیانیه ای اعلام کرد که در دو هفته گذشته بیش از ۲۰۰ مورد حملات هوایی گسترده و بمباران در استان ادلب و شهرهای اطراف آن انجام داده که باعث شده نیروهای رژیم اسد پیشروپه های گسترده ای در این منطقه داشته و "مخالفان اسد" را محاصره و یا

و اداری به عقب نشینی به سوی مرز ترکیه کرده است. همزمان اواخر هفته گذشته ارتش ترکیه که در منطقه نوار مزی با سوریه مستقر شده است در واکنش به این بمباران های گسترده روسیه و رژیم اسد علیه نیروهای مورد حمایتش، هشدار داده که ترکیه ساکت ننشسته و وارد عمل خواهد شد. در همین راستا چندین درگیری بین نیروهای رژیم اسد و رژیم اردوغان در این منطقه روی داده است.

جمهوری اسلامی و نیروهای سپاه قدس هم در منطقه ادلب در جنگ زمینی و در حمایت از رژیم اسد فعالانه در جنگ و جنایات رژیم اسد بر علیه مردم منطقه شرکت کرده اند. قاسم سلیمانی قبل از کشته شدنش در دیماه رسماً فرماندهی نیروهای سپاس قدس و بخشهایی از ارتش اسد در جنگ را در این منطقه در دست داشت. سازمان ملل هفته گذشته اعلام کرد که فاجعه ای انسانی در نتیجه این بمبارانها در استان ادلب شکل گرفته که بزرگترین فاجعه در جنگ ۹ ساله در این کشور می باشد.

در این میان آمریکا و کشورهای غربی موضعی سکوت آمیز در برابر جنایات رژیم اسد و روسیه و جمهوری اسلامی به بهانه "عدم دخالت و دامن زدن به درگیریها در منطقه" گرفته اند که این امر عملاً دست رژیم اسد و روسیه و جمهوری اسلامی را در دست یازیدن به هر جنایت و وحشیگری به بهانه "مبارزه با داعش و تروریسم" باز گذاشته است. سوریه حیات خلوت رژیم های ارتجاعی و جنگهای نیابتی شان شده که هر روز از مردم بی دفاع قربانی می گیرد. آنچه امروز در سوریه در

جریان است یک جنگ تمام عیار رژیم دیکتاتور و وحشی اسد و حامیانش، روسیه و جمهوری اسلامی در یک طرف، و دار و دسته های اکثر تروریست اسلامی مورد حمایت کشورهای ترکیه، عربستان، قطر و... می باشد که سوریه را تبدیل به میدان جنگ و آدمکشی و جنایات وصف ناپذیر کرده اند. جنگی که نتیجه مستقیم آن کشتار مردم غیر نظامی، آوارگی و ویرانی شده است. ابعاد کشتار و فاجعه هر روز گسترده تر میشود و راه حلی در چشم انداز نیست.

جنگ داخلی سوریه وارد نهمین سال خود شده است. ۹ سال است که رژیم دیکتاتور و وحشی اسد با حمایت روسیه و جمهوری اسلامی دست به هر جنایت و کشتاری زده اند تا اسد را در قدرت نگه دارند. متقابلاً گروه های تروریست اسلامی صحنه سوریه را تبدیل به جنگی گسترده و ویرانگر از هر نظر، با ابعاد غیر قابل توصیف جنایاتشان در حق مردم این کشور کرده اند. جنگ و جنون جنگی، رژیمهای وحشی و دیکتاتور با دار و دسته های تروریست اسلامی مورد حمایتشان شیرازه مدنی و اقتصادی و انسانی جامعه سوریه را از هم پاشیده است.

در این ۹ سال در

سوریه چه گذشت؟

جنگ داخلی سوریه وارد نهمین سال شد. بر اساس آمار و ارقام ارائه شده توسط نهادهای مختلف سازمان ملل و نهادهای مدافع حقوق انسانی از ژانویه ۲۰۱۱ تا آخر دسامبر ۲۰۱۹ بیش از ۵۰۰ هزار نفر در جنگ داخلی سوریه کشته؛ بیش از دو میلیون نفر زخمی و بیش

از ۱۲ میلیون نفر آواره شده و بیش از ۹۰ هزار نفر بازداشت و یا ناپدید شده اند. بیش از ۸۰ درصد شهرها و روستاها به استثنای دمشق و اطرافش نابود و ویران شده اند.

اما در این چند سال چه گذشت؟ اعتراضات مردم سوریه بر علیه رژیم دیکتاتوری اسد از اوایل سال ۲۰۱۱ و به دنبال «بهار عربی» (آغاز شد. در شش ماهه اول اعتراضات، مردم در تظاهراتهای گسترده خواهان سرنگونی رژیم اسد شدند. رژیم اسد با حمایت جمهوری اسلامی و از ترس دچار شدن به سرنوشت سایر دیکتاتورها، نظیر مبارک، بن علی و قذافی، سرکوب گسترده اعتراضات مردم را در دستور گذاشت. با گسترش حملات وحشیانه و سرکوبهای رژیم اسد، دار و دسته های تروریست اسلامی سنی مورد حمایت عربستان، قطر و ترکیه، به بهانه آنچه مقابله با گسترش نفوذ "هلال شعیبی" و "شیعی گری"، اطلاق می کردند، دار و دسته های تروریست اسلامی سنی مذهب را مسلح کرده و وارد صحنه سیاسی سوریه کردند. در مدت چند ماه این باندهای تروریست و رژیم اسد موفق شدند بر اعتراضات و انقلاب مردم که هدفش سرنگونی رژیم اسد بود، تسلط پیدا کرده و با به حاشیه راندن و بخشا سرکوب اعتراضات مردم، سوریه را تبدیل به صحنه خونین ترین جنگ دار و دسته های تروریست اسلامی و رژیم اسد و وحشی بکنند.

نتیجه آن شد که قطب حامیان رژیم اسد، جمهوری اسلامی و روسیه در یک طرف و در طرف دیگر قطب حامیان گروههای تروریست سنی

مورد حمایت عربستان، ترکیه و قطر، سوریه را تبدیل به میدان جنگ رقابتهای منطقه ای شان کردند. بدین ترتیب جنگ نیابتی دو قطب ارتجاعی در سوریه را به جریان انداختند که تا به امروز ادامه دارد. با ظهور داعش از سال ۲۰۱۴ به بعد و پیوستن بخش هایی از دار و دسته های اسلامی سنی مذهب به داعش و تشکیل خلافت اسلامی در شهر رقه در سوریه، جنگ و جنایات داعش در کنار جنگ و جنایات رژیم اسد ابعاد دیگری به خود گرفت.

در این شکی نیست که رژیم اسد همراه با دار و دسته های اسلامی طرف مقابل عاملان اصلی و بانی وضعیت فعلی جنگ داخلی ویرانگر و نابودکننده و سازماندهی کشتار صدها هزار نفر در سوریه می باشند. رژیم اسد بدون کمک و همکاریهای روسیه و جمهوری اسلامی شانس برای ماندن در قدرت نداشت. هم جمهوری اسلامی و هم روسیه شریک این همه جنایات و کشتارها و سرکوبها در طول این چند سال بر علیه مردم سوریه می باشند. در کنار رژیم اسد بویژه از اوایل سال ۲۰۱۲ دار و دسته های تروریست اسلامی سنی مذهب مورد حمایت عربستان، قطر و امارت و... وارد جنگی تمام عیار با رژیم اسد برای دست گرفتن قدرت شدند. هر دو طرف این جنگ در مقابله با انقلاب مردم و سرکوب نهایی آن عملاً توافق کامل داشتند. اینها موفق شدند جنبش اعتراضی و سرنگونی خواه مردم سوریه را با سیاستهای وحشیانه سرکوب، تهدید و جنگشان، پا به پای حملات وحشیانه و سرکوبگرانه رژیم اسد سرکوب

میلاد رابعی سلبریتی‌ها و اعتراضات مردمی

همیشه و پس از هر خیزش مردمی در سال‌های اخیر، از جمله مواردی که توجه مردم را به خود جلب کرده است واکنش سلبریتی‌ها در رشته‌های مختلف هنری بوده است. همیشه مردم و به‌خصوص جوانان و طرفداران این چهره‌ها اظهارنظر آن‌ها را دنبال می‌کنند و در مواقعی آن‌ها را به دو دسته در کنار مردم و در کنار حکومت تقسیم می‌کنند. من در این جا سعی دارم تا از شخص خاصی نام نبرم و موضوع را به شکل عام مطرح کنم. قبل از هر چیز باید این حقیقت را در نظر داشته باشیم که حکومتی مانند جمهوری اسلامی معاش و شهرت و آینده شغلی این اشخاص را به گرو دارد. در شرایط عادی جامعه، هرگونه اظهار نظر مخالفی موجب بایکوت شدن یک چهره، عدم تمدید مجوز او، ممنوع‌التصویر و صدا و قلم شدنش می‌گردد. شاید به همین دلایل است که سلبریتی‌های ساکن ایران، حداکثر به حمایت از کاندیداهای اصلاح‌طلب و پاره‌ای انتقادات و مطالبات صنفی قناعت می‌کردند. اما با پیش‌روی جنبش سرنگونی و رادیکالیزه شدن فضای اعتراضی و همه‌گیر شدن خواست سرنگونی در سال‌های اخیر، این معادله نیز به سرعت رو به تغییر می‌رود. در شرایط جدید سلبریتی‌ها نیز سکوت و مماشات مصلحت‌آمیز خود را

شکستند و بسیاری از آن‌ها مانند مردم رودرروی حکومت قرار گرفتند. کسانی که از میانشان تعدادی از ریاست‌جمهوری روحانی حمایت کرده بودند نیز به چشم می‌خورند. رویدادی که این روزها پیش رو است جشن‌واره‌های سالانه فجر است که هر سال در رشته‌های سینما، تئاتر و موسیقی برگزار می‌شود. پس از قیام مردم در ماه‌های اخیر و کشته شدن ۱۵۰۰ انسان به دست رژیم و سرنگونی عمدی هوپیمای مسافربری، جامعه و حکومت چنان به شکل بی‌سابقه‌ای در برابر هم قرار گرفتند که سلبریتی‌ها نیز نمی‌توانستند سکوت اختیار کنند. برای نمونه ۱۴۰ تن از سینماگران و به خصوص اهالی تئاتر در اقدامی هماهنگ با امضای بیانیه‌ای تک‌جمله‌ای که: ما به جشن‌واره فجر نمی‌رویم، این مراسم را تحریم کردند. مراسمی که پیش از آن که ویتربنی برای عرضه آثار هنری باشد، ویتربنی برای تبلیغات حکومتی و فعالیت‌های آن در زمینه فرهنگی است. جالب توجه است که مسئول برگزاری این مراسم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که وابسته به دولت روحانی است. این نشان‌دهنده آن است که هنرمندان هم مانند مردم حکومت را با همه جناح‌هایش مورد مخالفت خود قرار داده‌اند. پیش از این در جشن منتقدان سینما در دهم بهمن نیز شاهد اعتراض شدید همایون غنی‌زاده که جایزه خلاقیت و استعداد درخشان به وی اعطا شد، بودیم. وی مشخصاً به وقایع آبان ماه اشاره کرده و سکوت در برابر آن را قباح نامید. جایزه خود را به پویا بختیاری

هدا کرد و شعری اعتراضی از سیف فرغانی خواند که خطاب به حمله مغول سروده شده است و حکومت را سکه یک پول کرد. حامد بهداد نیز سخنانی در اعتراض به شرایط موجود ایراد کرد. به نظر می‌رسد با وسعت اسامی هنرمندان معترض، این اعتراض را به سلبریتی‌ها محدود کردن مطلقاً اشتباه است، چرا که بسیاری از معترضین از بدنه سینما و تئاتر هستند و الزاماً سلبریتی نیستند. با توجه به مجموع شرایط باید منتظر نطق‌های اعتراضی و جو متشنج در جشن‌واره‌های فجر هم بود. اتفاقی که تبلیغات حکومتی را به عرصه‌ای برای اعتراض به آن تبدیل می‌کند. اتفاقات اخیر چنان به سرعت رخ داده‌اند و چنان ابعادی از توحش و آدم‌کشی حکومت را به نمایش گذاشته‌اند که هیچ انسان منصفی قادر به سکوت نیست. تمام بخش‌ها و اقشار جامعه در تب و تابند و ترس و محافظه‌کاری دیگر جایی برای ابراز ندارد. مردم این حکومت را با تمام وجود نمی‌خواهند و در این میان استثنا تنها خود هیئت‌حاکمه و جیره‌خواران اندک‌شمارش هستند. قطعاً در روزهای آینده شاهد اعتراضات بسیار گسترده‌تری از جانب همه اقشار از جمله هنرمندان و چهره‌های سرشناس خواهیم بود.

نابوداد جمهوری اسلامی!
زنده‌باد حکومت انسانی!

از صفحه ۴

داهول اسلامی

باقی بمانند تا برای دور بعدی استعمار و چپاول مورد استفاده قرار گیرند.

اما اکثریت مردم با شعارهایشان، با تعرضشان به سمبل‌های اقتصادی و امنیتی و اسلامی حکومت نشان داده‌اند که بسیار جلوتر از تقلاهای ارتجاعی این "پوزسیون" هستند. این اکثریت که خامنه‌ای را هدف نفرت خود قرار داده‌اند، در عین حال فریاد می‌زنند: "مرگ بر دیکتاتور"، "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمامه ماجرا"، "جمهوری اسلامی، نمی‌خواهیم"، و بالاخره مهمتر از همه اینها "جمهوری اسلامی نابود باید

۷ بهمن ۱۳۹۸
۶ فوریه ۲۰۲۰

از صفحه ۹

فاجعه جنگ داخلی در سوریه!

کرده و خود میداندار بشوند. سران و مقامات بلند پایه این دو قطب ارتجاعی و تروریستی از مسئولان مستقیم همه این جنایات و آدم‌کشی‌ها و نسل‌کشی جاری در سوریه می‌باشند. همه این جنایان باید به خاطر ارتکاب جنایت

برعلیه بشریت دستگیر و محاکمه گردند. مبارزه مردم سوریه برای رهایی از شر رژیم دیکتاتوری اسد و دارو دسته‌های تروریست‌های اسلامی مورد حمایت دول ارتجاعی و تروریست منطقه؛ یک خواست مشروع و برحق مردم می‌باشد. رژیم اسد به عنوان بانی و عامل اصلی همه این جنایات با حامیانش باید گورش را گم بکند.

۵ فوریه ۲۰۲۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته

روز جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com



دستاوردهای جنبش زنان در این کشورها بود. چهارم فوریه ۲۰۲۰

مدیای اجتماعی و تلویزیونهای فارسی زبان و روزنامه های پر تیراژ انعکاس یافت و این شکست دیگری برای نرمالیزه کردن تحمیل حجاب بر زنان در غرب و حمله به

خواست خود در رابطه با بسته شدن این مراکز جاسوسی و ترور و مکانهای گسترش تنفر و تفرقه را با صدای بلند اعلام کردند. این تظاهرات در



هرمزرها تظاهرات علیه نمایش "روز حجاب"

پروژه اسلامی "روز حجاب" در اول فوریه با توسل به ترند "آزادی پوشش" و با هدف گسترش اسلام سیاسی در غرب و به ظاهر برای مقابله با راسیسم چند سالی است اعلام شده و هر سال با شکستهایی مواجه میگردد. طی سالهای گذشته شماری از زنان ضد ارتجاع اسلامی در این روز در کشورهای به اصطلاح اسلامی دیگر حجاب از سر برداشتند و دست به تظاهرات زدند و عملاً مهر باطلی بر این روز زدند. امسال در اول فوریه در مسجد امام علی در استکهلم از طرف جمهوری اسلامی و با حمایت فعالین احزابی مثل حزب محیط زیست و حزب چپ (که در واقع چپ نیست) و با حضور چهار کارشناس «در این زمینه دعوت به برگزاری سمینار گردید. در مقابل شماری از فعالین سیاسی و احزاب و نهادهای مختلف در این شهر دعوت به اعتراض به این

حرکت ارتجاعی کردند. "روز حجاب" توسط جریانات اسلامی پروژه و ترند است که هدفش بالا رفتن بیشتر دیوار آپارتاید جنسی و پایداری حقوق زنان و کودکان و تضعیف فضای سکولار در کشورهای اروپایی است و هدفی جز گسترش اسلام سیاسی در این کشورها ندارد. این جریان به نوعی آب به آسیاب راسیسم میریزد. با مطرح شدن این سمینار و اعتراض به این نوع فعالیت‌های زن ستیزانه افکار عمومی ایرانیان و جامعه سوئد به این موضوع معطوف گردید. در روز سمینار اسلامی مزبور بیش از سیصد نفر با شعارهای کوبنده و سخنرانیهای پر شور به زبان فارسی و سوئدی و انگلیسی و باندروهایی علیه حجاب کودک و علیه آپارتاید جنسی و علیه جمهوری اسلامی و با پرچم‌های احزاب مختلف در مقابل مسجد، به مدت چند ساعت تظاهرات کردند و

جمهوری اسلامی مذبحخانه تلاش دارد با تشدید بگیر و ببند و به زندان انداختن شمار هرچه بیشتری از فعالین شناخته شده اجتماعی، اعتراضات و مبارزات مردم را عقب براند. معلمان و کارگران و دانشجویان رادستگیر میکنند، احکام سنگین زندان صادر میکنند، مرخصی‌ها را لغو میکنند و سعی میکنند به خیال خود قدری اوضاع را آرام نمایند. این تلاش و

تشدید سیاست زندان علیه فعالین، از وحشت سرنگونی است

جدیدتری باز شده و از داخل زندان به محاکمه کشیده شده است. یک نمونه دیگر از این سیاست بگیر و ببند جمهوری اسلامی دستگیری و صدور احکام سنگین زندان و حتی شلاق برای هفت نفر از معلمان است. این احکام با موجی از اعتراضات توسط معلمان و تشکلهای معلمان و بازنشستگان روبرو شده است.

است. ندا ناجی یکی دیگر از بازداشت شدگان اول مه به اتهام توهین به ماموران دولتی و اجتماع و تبانی مجموعاً به ۵ سال و نیم زندان در دادگاه بدوی محکوم شده و همچنان در بازداشت "موقت" بسر میبرد. برای آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام بعد از چند بار پرونده سازی، پرونده

بازداشت شدگان اول مه یعنی مرضیه امیری، عاطفه زنگریز و حسن سعیدی نیز با تایید حکم سنگین ۵ سال زندان به بخش اجرای احکام به زندان اوین داده شده است. بنا به اعلام وکیل این فعالین این احکام بدون دادگاه تجدید نظر مهر تایید خورده است و به اجرا گذاشته میشود. یعنی حتی ظاهر سازی حقوقی و قانونی نیز کنار گذاشته شده

تقلای حکومت نکبت باری است که از فضای تعرضی جامعه و جنبش سرنگونی و انقلاب مردم در وحشت مرگ دست و پا میزند و شاهد اینست که ابزار زندان و سرکوبش نیز فوراً بیشتر مبارزات را در پی دارد. در هفته های اخیر اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان هفت تپه به زندان احضار شده اند. پرونده

انقلاب مردم عراق با گام های استوار به پیش می رود

دستجات فاسد اسلامی قومی و علیه جمهوری اسلامی ایران که زندگی مردم را در دو کشور تباہ کرده است با قدرت به پیش می رود. مردم ایران و عراق در مبارزه علیه اوباش حاکم در دو کشور و علیه جمهوری اسلامی کنار یکدیگر ایستاده اند، از یکدیگر الهام میگیرند و همدیگر را تقویت میکنند و بهم نیرو میدهند. حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزه مردم عراق برای برچیدن بساط دستجات اوباش اسلامی قومی و علیه جمهوری اسلامی در عراق قویا حمایت میکند

**زنده باد همبستگی
مردم ایران و عراق!
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۶ بهمن ۱۳۹۸**

کوت، دیوانیه و شهرهای دیگر با شعار اخراج جمهوری اسلامی و علیه مقتدا صدر دست به تظاهرات گسترده زدند. مردم عراق اعلام کرده اند که علیه فساد و تباہی، علیه همه احزاب و دستجات اسلامی و قومی و علیه دخالت جمهوری اسلامی در عراق و حمایت آن از دستجات تروریستی اسلامی کوتاه نمی آیند. مردم عراق در پی بیرون راندن جمهوری اسلامی از این کشورند و خواهان تشکیل حکومتی سکولار و پایان دادن به حاکمیت دستجات اوباش اسلامی و قومی و میداننداری جمهوری اسلامی هستند. مبارزه مردم عراق علیه

به پیش می رود و یک به یک موانع را از سر راه خود بر میدارد. انقلاب عراق در اقدام دیگری تشیبات مقتدا صدر روحانی متحد جمهوری اسلامی را که ابتدا در تاریخ جمعه ۲۴ ژانویه با بسیج نیروهای خود در بغداد و سپس در روز جمعه ۳۱ ژانویه در موصل با اعلام تظاهرات با شعار اخراج آمریکا از عراق سعی داشت انقلاب را منحرف کند و شعار اخراج جمهوری اسلامی از عراق را بی رنگ کند، به یک افتضاح بدل کردند و تلاش های او را خنثی و او را از صفوف خود طرد کردند. روز یکشنبه ۲۶ ژانویه صدها هزار نفر از مردم در بغداد و شهرهای ناصریه، بصره، نجف، کربلا، دیاله،

پارلمان و رئیس جمهور قادر نشدند کاندید تازه ای معرفی کنند. اینبار نیز انقلاب عراق دست رد به کاندیداتوری محمد توفیق علاوی که عضو حزب الدعوه اسلامی و پیشتر عضو پارلمان وزیر کابینه نوری مالکی بوده و همچنین مورد حمایت جریان سائرون وابسته به مقتدا صدر و همچنین هادی عامری از سرکردگان حشد الشعبی است زد و به این ترتیب یکبار دیگر در مقابل حکام تروریست و دزد و مرتجع قاطعانه ایستاد. از ماه اکتبر تا کنون بیش از چهار ماه است که انقلاب مردم عراق با گام های استوار

روز شنبه اول فوریه، برهم صالح رئیس جمهور عراق محمد توفیق علاوی را برای پست نخست وزیری معرفی کرد و علیرغم اینکه هنوز رای اعتماد پارلمان را کسب نکرده است، بلافاصله مردم علیه این انتصاب دست به تظاهرات و راهپیمای گسترده زدند. انقلاب عراق که از ماه اکتبر شروع شده اعلام کرده است که هیچ فردی را از میان احزاب حاکم، احزاب اسلامی و کسانی که طی ۱۷ سال گذشته پست و مقامی در هر سطحی از حکومت داشته اند را نخواهند پذیرفت. از ماه نوامبر که عادل عبدالمهدی نخست وزیر پیشین و متحد جمهوری اسلامی زیر فشار انقلاب مجبور به استعفا شد،

از صفحه ۱۱

تشدید سیاست زندان

با سیاست دستگیری و بگردن زدنای جمهوری اسلامی، زندانیان سیاسی پر شده است. فقط در اعتراضات آبان ماه چندین هزار نفر را دستگیر کردند و هنوز شمار دقیق آنها را که تا هفت هزار نفر تخمین زده میشوند، اعلام نکرده اند.

دادگاههای مردمی محاکمه شوند. این را انقلاب مردم تضمین خواهد کرد.

**نابود باد حکومت اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست
کارگری ایران**

**۱۶ بهمن ۱۳۹۸،
۵ فوریه ۲۰۲۰**

سرنگونی طلبی و ریزش حکومت از همه جا دارد به گوش میرسد. بویژه با جنایت عظیم سرنگون کردن عمدی هواپیمای مسافربری از کشتار ۱۷۶ تن از مسافران و خدمه، خشم و اعتراض بیش از پیش در همه جا میجوشد. دیر نخواهد بود که با انقلابی عمیق و همه جانبه و با به زیر کشیدن حکومت جنایتکار اسلامی تمامی عزیزانمان را از زندانهای آزاد کنیم. جمهوری اسلامی باید برود و سران و دست اندرکارانش در

بخشهای مختلف مردم با تعرض علنی به حکومت دارند جواب قاطع خود را به حاکمین اسلامی میدهند. حتی صحنه دادگاه یکی از معلمان بنام اسکندر لطفی را و دهها تن از معلمان به صحنه اعتراض علیه حکومت تبدیل کردند. خانواده ها در برابر درب زندانها هرروز تجمع و اعتراض میکنند. کارگران و معلمان و دانشجوستان و دانشجویان مدام در حال مبارزه و تجمع و اعتصاب و اعتراض هستند. صدای اعتراض و

خانواده بسیاری از این دستگیر شدگان خبری از عزیزان خود ندارند و جمهوری اسلامی هیچ اطلاعاتی از آنها نمیدهد و در واقع بسیاری مفقود الاثر هستند.

این شمه ای از وضعیت بگیر و ببند و زندان و دادگاههای جمهوری اسلامی است. این در واقع تقیای حکومت منفور اسلامی برای بقا و عقب راندن فضای انقلابی در جامعه است. اما

اطلاعیه خبری ۱۶ بهمن:

موفقیت کارگران پتروشیمی اروند، و چند خبر دیگر

بر اساس آن باید مبلغی به دستمزدهای حداقل شان اضافه شود، برای دومین روز در مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند.

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۶ بهمن ۹۸،
۵ فوریه ۲۰۲۰**

مخابرات راه دور شیراز برای نشان دادن اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده های بی سرانجام مسئولان استان، دست به تجمع مقابل استانداری فارس زدند.

- روز ۱۵ بهمن ۶۰۰ کارگر کارخانه سیمان ایلام در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که

و بویراحمند در اعتراض به بیکاری و استخدام های بدون ضابطه و رابطه ای در اداره گاز چاروسا، در مقابل این شرکت تجمع کردند. این جوانان به بیکاری و محرومیت از هر گونه امکان تامین معاش اعتراض دارند.

- روز سه شنبه ۱۵ بهمن برای دومین بار در هفته جاری، کارگران بازنشسته

نداشتن امنیت شغلی و اقدام پیمانکار جدید برای انعقاد قراردادهای برده وار حجمی برپا شده بود. واحد تعمیرات پتروشیمی اروند زیر نظر شرکت پیمانکاری رامیکو قرار دارد.

- طی روزهای ۱۵ و ۱۶ بهمن جمعی از جوانان متقاضی کار شهر قلعه رئیسی در استان کهگیلویه

- روز ۱۵ بهمن به دنبال اعتراضات هفته ی گذشته و این هفته ی کارگران پتروشیمی اروند، مقرر شد که تمامی قراردادهای کارگران این شرکت که در قالب «طرح ۹۵ درصد» و بصورت حجمی منعقد شده اند، به شکل سابق برگردند. کارگران با شرط اینکه این قرار رسماً بر روی تابلوی اعلانات شرکت نصب شود در این روز به تجمع خود خاتمه دادند. اعتصاب این کارگران در اعتراض به